

نسخه چاپی/خبرآنلاین

تاریخ: دوشنبه 2 آذر 1394 - 09:07:41 کد مطلب: 479600

سرویس خبری: بین الملل < دیپلماسی

ماجرای گفتگوی چالشی احمدی نژاد با سیاستمداری که پیشنهاد وزارت خارجه را رد کرد

احمدی نژاد اصرار داشت که ما می توانیم با هم کار کنیم اما از قبل برای من روشن بود که هیچ تفاهمی میان ما وجود ندارد.

سعید جعفری - سید حسین موسویان در کتاب ایران و آمریکای خود که امسال در نمایشگاه کتاب منتشر و رو نمایی شد به بیش از سه دهه روابط سیاسی مستقیم و غیر مستقیم ایران و آمریکا پرداخته است. دیپلمات پیشین کشورمان در فصل ششم به دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد پرداخته است. سفیر پیشین ایران در آلمان در این بخش از کتابش به ماجرای روایت نشده ای اشاره می کند که در آن محمود احمدی نژاد به موسویان پیشنهاد می دهد وزیر امور خارجه دولت نهم شود.

موسویان در صفحه ۲۴۶ کتاب خود می نویسد:

«در تیر ماه سال ۱۳۸۴ دفتر رئیس جمهور وقت محمود احمدی نژاد به من تلفن زد و برای ملاقات از من دعوت کرد. من سابقه دوستی و آشنایی چندانی با ایشان نداشتم و تنها زمانی که استاندار اردبیل بود، با او ملاقاتی داشتم. در روز ۲۸ تیر ۱۳۸۴ ساعت ۵ بعد از ظهر، من رئیس جمهور جدید را در دفتر موقتش ملاقات کردم. جلسه برای ۲۰ دقیقه برنامه ریزی شده بود، اما بیش از ۲ ساعت به طول انجامید. مجتبی هاشمی ثمره دوست نزدیک و فرد مورد اعتماد او نیز در جلسه حاضر بود. گفتگوی صریح من با احمدی نژاد تفاوت های عمیق بین او به عنوان نماینده اصول گرایان و من به عنوان جریان معتدل را در دستگاه ایران به خوبی نشان می داد.

احمدی نژاد به محض ورودش به دفتر مرا بغل کرد و با نامیدن اسم کوچک از من استقبال کرد: «چطور می حسین آقا؟ ناهار خوردید؟» من پاسخ دادم بله غذا خورده ام. او به سمت میزش رفت و مشتی پسته برداشت و گفت: «ناهار من اینه»

بدون فوت وقت احمدی نژاد ادامه داد: «می دانید که من به رویکرد شما به موضوع هسته ای نگاهی منفی دارم. چرا شما برای حق خودتان مذاکره می کنید؟ غنی سازی اورانیوم حق قانونی ماست. مذاکره برای حق قانونی هیچ معنایی ندارد.»

من پاسخ دادم: «این درست است که غنی سازی اورانیوم در چارچوب NPT حق ما است، اما به منظور اجرایی شدن معاهده، جامعه جهانی مبادرت به ایجاد آژانس بین المللی انرژی اتمی کرده است. در درون آژانس، شورای حکام که کشورهای عضو را نمایندگی می کند، نقش سیاستگذاری دارد. تصمیمات آنها برای اعضا و امضا کنندگان الزام آور است. ایران هم عضو آژانس است. در حال حاضر شورای حکام قطعنامه ای را تصویب کرده و طی آن از ایران خواسته است تا برنامه غنی سازی اورانیوم را تعلیق کند. ما حق انتخاب داریم یا از قانون آژانس اطاعت می کنیم و برنامه غنی سازی را موقتا تعلیق می کنیم و پس از دستیابی به توافق با قدرت های جهانی آن را از سر

بگیریم یا به آن بی‌اعتنایی می‌کنیم. در صورت انتخاب روش دوم، پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع خواهد شد و ما با تحریم‌های بین‌المللی مواجه می‌شویم.»

احمدی‌نژاد شدیداً با استدلال من‌مخالف بود. او گفت: «آژانس حق ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل را ندارد و اینها همه بلوف‌هایی برای ترساندن شما هستند.» با انتقادی که در صدا و بیانش مشهود بود، پرسید: «چرا شما مذاکره با اروپا را انتخاب کرده‌اید؟»

من پاسخ دادم: «ما در حال مذاکره با اروپا، روسیه، چین و اعضای جنبش عدم‌تعهد هستیم. ترجیح ما پیوستن ایالات متحده به عنوان بازیگر کلیدی به مذاکره بوده است، اما با وضعیتی که وجود دارد و مذاکره با آمریکا خط قرمز است، ما اروپا را به این دلیل انتخاب کردیم که آنها بلوک قدرتمندی هستند و دوم برای جلوگیری از ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل و سوم به منظور بهبود روابط با غرب و کاهش تنش با ایالات متحده.»

احمدی‌نژاد هرگز به راه نمی‌آمد. درباره ارجاع پرونده به شورای امنیت او اظهار داشت: «آمریکا و اروپا نمی‌توانند هیچ غلطی بکنند و افزود: «ما باید به غنی‌سازی ادامه دهیم و از بلوف غرب نترسیم.»

من نتایج احتمالی از موضع بیان شده او را برایش تشریح کردم و به او گفتم که برنامه هسته‌ای ایران در فهرست تهدید صلح جهانی و ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد قرار خواهد گرفت و ادامه دادم که در چنین وضعی ایران در معرض تنبیه از جمله تحریم‌ها قرار می‌گیرد و حتی اقدام نظامی نیز مطرح خواهد بود.

احمدی‌نژاد در پاسخ گفت: «نه آمریکا، نه شورای امنیت سازمان ملل هیچ‌کدام نمی‌توانند غلطی بکنند. شما از ترس مرگ (در دوره ریاست جمهوری خاتمی) دست به خودکشی زده‌اید.»

بعد از دو ساعت بحث و جدل بی‌ثمر هنوز برایم روشن نبود که چرا به این جلسه دعوت شده‌ام. بالاخره او گفت:

«دلیل اینکه از شما خواستم با من ملاقات کنید این بود که من ۵ نامزد برای پست وزارت خارجه در ذهن دارم. شما نخستین نفری هستید که من تصمیم صحبت با او گرفتم. مجتبی (هاشمی‌ثمره) به من گفته بود که شما بهترین سفیر ما بعد از انقلاب بوده‌اید.»

من از او و لطف مجتبی تشکر کردم، اما پیشنهاد او را نپذیرفتم و به او گفتم:

«ما دو ساعت است که درباره سیاست خارجی ایران صحبت کرده‌ایم و یک دیدگاه مشترک در هیچ موضوعی نداریم. در ضمن من از یک خانواده متمول می‌آیم و شما به عنوان رئیس‌جمهور فقرا معرفی و از خانواده محروم خودتان را بالا کشیده‌اید. اما من هیچ رنجی از فقر نکشیده‌ام، بنابراین من مناسب‌کابینه شما نیستم.»

احمدی‌نژاد اصرار داشت که ما می‌توانیم با هم کار کنیم، اما من از قبل می‌دانستم که غیر ممکن است. تا وقتی که جلسه را ترک کردم، روشن بود که هیچ تفاهمی بین ما وجود ندارد.»

52308

<http://www.khabaronline.ir/detail/479600>

لینک مطلب:

